



شهباز گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تقائشی ایزانی (مینیاتورد)

نقاشی ایرانی «یا مینیاتور» تجسم و خلق هرچه بیشتر زیباییهایی است که در خیال روشن هنرمند نقش می‌بندد. هنرمند مینیاتور عصاره لطف و زیبایی آنچه را که در طبیعت می‌بیند و احساس می‌کند به یاری اصول بسیار دقیق و حساس ویژه این هنر مجسم می‌کند. حرکات خطوط و تلوتلو رنگها و آزادی عمل و دامنه وسیع خیال این امکان را به هنرمند میدهد تا در بوجود آوردن زیباییها و بیان احساس بدلخواه خود با توجه به مهات و قدرتی که در نتیجه سالها تمرین و کوشش در گنجینه اندیشه و فکر و پنجه های او بوجود آمده اثری گیرا و شکوهمند بوجود آورد. آنچه در خلق مینیاتور مهم است خلاصه و ساده کردن طبیعت و زیانموندن فرمهاست بطوریکه در یک اثر هنری تجلی خطوط، فرمها و حالات و رنگها در ترکیب کلی و در جزئیات همه زیبا و چشم نواز باشند.

هنرمند راستین در شناخت ماهیت و کیفیت تمام اشیاء حیوانات - نباتات - احاطه و تسلط کامل دارد و چنان با روحیات مختلف انسانی و فلسفه روانی انسانها آشناست که می‌تواند بلافاصله پس از درک و احساس در مرحله خلق با دستی بهره‌بری عقل و عقلی در اختیار احساس موضوع و اثر مورد نظر را به راحتی صحیح و خیالی طراحی کند. هنرمند قادر است آنچه را که در دنیای رنگین ذهن و فراخنای خیال او میگذرد بصورت واقعیت بوسیله خط و رنگ بیان نماید. شك نیست هرچه بیان این احساس صادقانه‌تر و از روی اصول و مطالعه خصوصیات روانی موضوع مورد نظر باشد روی بیننده اثری بیشتری خواهد گذاشت و سعت لایتنای خیال و ژرف اندیشی و بیان صادقانه احساس در قالب زیباییها بکمک غنای رنگها و روانی خطوط این امکان را به هنرمند میدهد تا در القای تفکر و اندیشه خود به بیننده موفق‌تر باشد.

تذهیب و طلا کاری و نقوش خطائی و اسلیمی و تشعیر (دفرمه کردن حیوانات) و بوته سازی در تزئین صفحات مینیاتور نقش مهمی را دارند. علاوه بر اینکه هر کدام به تنهایی هنر بسیار جالب و ارزنده و از مختصات هنر ملی ایران است وسیله‌ای عالی و موثر برای تزئین و بهتر جلوه دادن مینیاتور می‌باشند و یک هنرمند خوب مینیاتور باید بحد کمال در ساختن و پرداختن تذهیب و انواع دیگر هنرهای تزئینی توانا باشد.

باینکه این هنر و الای ایرانی منبع الهام بیشتر نقاشان بزرگ امپرسیونیسم اروپائی بوده است مع الوصف کلمه مینیاتور از ادغام دو کلمه لاتین مینیوموم و ناتورا به معنای طبیعت کوچک بعبارت دیگر ظرافت دادن و خلاصه کردن طبیعتی است که می‌خواهیم نقاشی کنیم. در صورتیکه در این هنر خیالی اندیشه و احساس و تعمق بیشتر دخالت دارد تا دید ظاهری اشیاء در طبیعت.

در حقیقت مینیاتور شعر و موسیقی و نقاشی است و مینیاتور است بدلخواه خود آنچه را که در طبیعت می‌بیند تغییر داده و زیبایی می‌بخشد.

بیشتر از پنجاه الی شصت سال نیست که این واژه به هنر نقاشی ایرانی اطلاق شده است و تا قبل از این تاریخ به



چنین کلمه‌ای برخوردار نمیکنیم شاید يك علت آن این بود که پس از تاثیر نقاشی اروپائی در سبك نقاشی زندیه و سپس نفوذ تدریجی آن در مکتب قاجاریه بالنتیجه توجه به نقاشی کلاسیک اروپائی که آثار استاد کمال الملك این موضوع را تائید میکند نام نقاشی بر آن سبك و واژه مینیاتور بهر نقاشی ایرانی تعلق گرفت تا هر دو سبك و مکتب برای خود نام جداگانه داشته باشد.

در اینجا قبل از اینکه به تاریخچه تحول و پیدایش سبکهای گوناگون مینیاتور اشاره شود لازم به توضیح در نکته مبهمی است که یا هنر مینیاتور از ایران به چین رفته است یا بالعکس. قدر مسلم اینکه هر ملت برای خود بمقتضای زمان و مکان و آب و هوای خود خط و نقاشی مستقلى دارد که می تواند گویا و نمودار فرهنگ و تمدن آن کشور باشد البته هنر هر کشوری در هنر ملی کشور دیگر می تواند اثر بگذارد.

چنانکه مکتب نقاشی ایران و هند نمونه کاملی از این تاثیر متقابل میباشد و هنرمندان ایرانی پایه گذار این مکتب بودند با توجه به بعضی مندرجات کتاب (کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی در ایران) و اسناد و مدارک مستدلیکه در کلکسیون دانشمند محقق رکن الدین همایون فرخ موجود میباشد و از جمله آنها نگین های انگشتری و سنگ نبشته‌ها و فرمانهاییکه بصورت لوله‌های استوانه‌ای شکل و اغلب از سنگهای گران قیمت هستند با نگینهای مربع شکل يك سانتیمتر مربعی تا لوله‌های استوانه‌ای که بیش از چند سانتیمتر طول ندارند و بدون شك روشن می گردد که سازندگان انواع این مهرها و سنگهای حکاکی شده در هفت هزار سال پیش در ایران باطراحی صحیح بشیوه مینیاتور کاملاً آشنا و مسلط بودند. هرگز نمی توانستند چنین بذایع ظریفی بوجود آورند که شاید هیچ طبیعتی (ناتورال) را نتوان اینگونه ظریف نمود و به صورتی چنین مینیمم در آورد.

بامختصر تذکر فوق دیگر تحصیل حاصل است اگر مانی را که که پایه گذار خط و نقاشی در دوره ساسانیان بوده ایرانی الاصل بدانیم و از کشور چین نخوانیم بقول نظامی گنجوی.

شنیدم که مانی به صورتگری

زری سوی چین شد به پیغمبری

از او چینیان چون خبر یافتند

بر آن راه دیرینه بشتافتند

مانی در مراحل اولیه مرکز اشاعه دین خود را بلخ و بخارا و تخارستان که خود جزوی از خاک ایران بود قرار داد و از آن محل دعوی خود را بوسیله خط و نقاشی به چین و ترکستان فرستاد ولی چون تخارستان در شمال شرقی ایران قرار دارد و از آن محل به دیگر نقاط ایران خط و نقاشی هانوی اشاعه پیدا کرد برخی تصور نموده اند منشاء پیدایش خط و نقاشی مانوی از چین می باشد.

در اینجا مختصری درباره سبکها و مکتبهای معروف و مختلف مینیاتور می آوریم ...

از ماقبل تاریخ در ایران نقاشی و خط که پایه و اساس کلی مینیاتور میباشد وجود داشته است و ظروف و سفالیهای



زیر خاکی وجود آنرا ثابت می کند .

● فرسك های كوه خواجه سیستان میتواند دلیل روشنی بر سابقه كهنسال مینیاتور ایران باشد .

همچنین در هجاریهای دوره هخامنشی می توان خصوصیات مینیاتور هنر (نگارگری) را مشاهده نمود . پایه و اساس مینیاتور رامی توان در نقوش طرحهای درون ظروف و بشقابهای زمان ساسانیان بخوبی ملاحظه کرد و با احتمال قوی هنر ساسانیان منبع الهام هنر و مکتب مانوی بوده است که به آن اشاره مختصری شد .

در دوره اسلام کاخها و قصور خلفای اسلامی را از جمله کاخ الحمراء در شام و دارالانار العربیه مصر در جبهه ابی السعور هنرمندان ایرانی نقاشی کردند .

● همچنین بعد از اسلام ایرانیان در ترثین و ترسیم نقوش و سرلوح های قرآنها و کتابها بنیان گذار هنری درخشان و والا بودند و هنر تذهیب بتدریج روبه کمال رفت . هنرمندان آن زمان پس از انصراف اجباری از هنر چهره نگاری به تغییر دادن شکل نقوش به طبیعت رو آوردند . نقوش زیبای فرشها و کاشیکاریها را آفریدند . بدون شك نقوش خطائی و اسلیمی مایه الهام هنرمندان اروپائی در ترثین ساختمانها و کتابهایشان گشته است .

و اینك به اختصار درباره سبك های مینیاتور می نویسیم .

● مکتب بغداد را هنرمندان تشنه ابتکار و ابداع بوجود آوردند . از ویژگی های این مکتب ، نقاشی حیوانات و مصور نمودن حکایات است . اگر چه مکتب بغداد با توجه به هنر پیش از اسلام تاحدی سطحی و ابتدائی است اما هنر مینیاتور ایران در این زمان به تمام نقاطی که دین اسلام در آن رواج یافته بود یعنی در ممالک خاور میانه ممالک اروپائی و آفریقائی متداول و معمول گشت . از استادان بزرگ بغداد استاد عبدالحی و سلطان جنید را باید نام ببریم .

● دوره سلجوقیان یکی از ادوار مهم نقاشی ایران است . از این دوره مادیوان های شعر و کتاب های بسیار داریم که در حد کمال و زیبایی نقاشی شده است .

● هنر مینیاتور در عهد سلجوقی بخاطر آنکه پیش از حمله مغول بخاک ایران نضج گرفته اصالت ایرانی خود را حفظ کرده است .

از نقاشان بنام زمان سلجوقی باید از جمال الدین اصفهانی و استاد ابوتراب نام برد .

● حمله مغول به ایران موجب شد که گنجینه های بسیار گرانبهائی از هنر اصیل ایرانی دستخوش زوال شود تا پس از سالها خاموشی هنر ایران دوباره مورد توجه سلاطین ایرانی شده مغول قرار گرفت .

در این دوره است که مینیاتور چین هنر ایرانی را تحت تاثیر قرار داد . با اینهمه باید بگوئیم که بواسطه نا آرامی و نا امنی محیط آثار درخشان و چشم گیری در مینیاتور بوجود نیامد .

اما در همین زمان بجهت آنکه خط فارسی تاحدی از چپاول و غارت مغولان در امان بود هنر نقاشی

توانست تا حدی شخصیت خود را حفظ نماید .

* مکتب هرات یکی از مشخص ترین دوره تجلی نقاشی در ایران است . در این مکتب مینیاتور تذهیب و طلا کاری و مرقع سازی بحد اعتلای خود رسید . هرات مرکز اجتماع برگزیده ترین هنرمندان آن زمان بود .

مرقعات و تابلوها و کتب مصوریکه از مکتب هرات موجود است در نوع خود سرآمد نقاشی و هنر ماقبل و مابعد زمان خود می باشد . بخوبی پیداست بخاطر آرامش و آسایش تدریجی محیط هنرمندان و استادان نام آور و بزرگی چون کمال الدین بهزاد - آقامیرك - میرسیدعلی - استاد میرزاعلی - سلطان محمد - قاسم علی چهره گشا - شاه مظفر علی نقاش - محمود مذهب و دیگران با ایمان و اعتقاد بیشتری بخلق آثار ارزشمند و گرانبهائی همت نمودند و برگنجینه پرافتخار آثار نقاشی ایران افزودند و پایه گذار مکتبی عالی و مشخص در هنر نقاشی زمان خود گشتند .

پس از آنکه در آن زمان پایتخت به تبریز منتقل شد هنرمندان بزرگ آن عصر از هرات به تبریز آمدند و به خلق آثار بی نظیری در همان شیوه مکتب هرات موافق شدند . این مکتب در تبریز تحت تاثیر محیط رنگ و مایه مخصوصی بخود گرفت و علاوه بر برخی از هنرمندان فوق الذکر در مکتب هرات استادان بزرگی را چون استاد حیدر نقاش - مانی شیرازی - استاد مظفر علی - میر منصور تبریزی - شاه محمود شهیدی - میرسید علی استاد علی اصغر و خواجه عبدالعزیز نقاش می توان نام برد .

* مکتب صفویه هنر نقاشی در عهد صفویه چه از لحاظ کمیت و چه از جهت کیفیت گسترش چشم گیر و قابل توجهی پیدا نمود که با امکانات ماقبل خود تفاوتی بسیار داشت . در آثار نقاشی زمان صفویه آزادی و مهارت و قدرت قلم بیشتری دیده می شود . هنرمندان بیشتر به کلیات موضوع توجه داشتند و از بعضی ریزه کاریهای غیر ضروری مکتب هرات و تبریز دوری می جستند . روانی خطوط و بیان سریع احساس و خلاصه کردن موضوع مورد نظر را میتوان در مکتب صفویه بخوبی ملاحظه نمود کمپوزسیون تابلوها و مرقعها در مکتب نقاشی صفویه (به استثناء نقاشیهای بزرگ دیواری) با مقایسه مکتب هرات خلاصه تر و از لحاظ تعداد صورتها کمتر است ولی سرعت و حرکت قلم ، کار دبتر و توانا تر مشاهده می کنیم . در مکتب صفویه نقاشی دیواری ، ساختن انواع عالیترین خطائی ، اسلیمی و تشعیر ، نقوش کاشیها و فرشها به اعتلاء و کمال رسید و مساجد اصفهان و کاخهای عالی قاپو و چهلستون و دیگر ابنیه تاریخی اصفهان آئینه روشنی از مجد و عظمت هنر در مکتب صفویه می باشند . نقاشی از محدوده کتابها و مرقعها خارج شد و وسعت بیشتر پیدا نمود تا اینکه فضای با عظمت دیوارها و کاخها را رنگین و متجلی نمود . از استادان بزرگ زمان صفویه رضاعباسی استاد عالی مقام زمان که خود شاگرد صادق بیك افشار بود و استاد عنایت آقارضا - آقارضا مصور هروی ، معین مصور و استاد رضا کاشی و شفیع عباسی - استاد حبیب - استاد قاسمعلی ، استاد میرسیدعلی



هستند که اغلب از شاگردان رضا عباسی می‌باشند . ناگفته نماند پیدایش مکتب ایران و هند در زمان صفویه با آمدن استاد نقاش هندی بنام بشنداس و استادخیرمات‌خان و آشنائی آنها با هنر ایران صورت کمال پذیرفت .

* در زمان افشاریه هنر نقاشی نه تنها تحول و تکوین قابل ملاحظه پیدا نمود بلکه این هنر تا اندازه‌ای در بوته فراموشی افتاد جز استاد محمد بیک نقاشباشی‌افشار که علی اشرف نقاش زمان زندیه شاگرد او می‌باشد و چند نقاش دیگر ، از زمان افشاریه هنرمندان بنامی را نمی‌شناسیم .

* در عهد زندیه که بتدریج آرامش نسبی در محیط برقرار شد هنرمندان نقاش توانستند با خلق آثاریکه اغلب تاثیر نقاشی اروپائی در آن احساس میشد هنرنمایی کنند کارهای رنگ و روغن : جعبه‌ها ، قلمدانها ، و جلد‌های متنوع که در زمان قاجاریه باوج کمال خود رسید ، در زمان زندیه پایه و مایه گرفت .

تاثیر نقاشی اروپائی مخصوصا گل و بوته و اغلب پرندگان را در سبک زمان زندیه احساس میکنیم همچنین نقاشی سایه روشن را که از اواخر دوره صفویه روی نقاشی افشاریه و زندیه اثر گذاشت و در زمان قاجاریه هنرمندان به آن توجه خاص مینمودند در مکتب زندیه بطور وضوح بچشم میخورد . از استادان معروف نقاشی زندیه می‌توان علی‌اشرف که بواسطه ارادتی که به ائمه اطهار داشت و (ز بعد محمد، علی اشرف است) امضاء مینمود نام برد .

* در مکتب قاجاریه هنرمندان و نقاشان با مقایسه زمان افشار و زندیه با علاقه و عشق و تحرك و جنبش بیشتری در خلق آثار متنوع هنری از قبیل تابلو - جلد سازی - تذهیب و طلاکاری ، نقاشی کتابها ، جعبه و قلمدانسازی و تهیه تابلوهای سوخت (که از قطعات چرم با طرز مخصوصی ساخته میشود و در نوع خود هنری جالب توجه است) و نقاشی دیواری و تزئین عمارات و گل و بوته سازی ، هنرنمایی نمودند . در مکتب قاجاریه هنرنقاشی دیوار اواخر صفویه و تاثیر سبکهای مختلف نقاشی اروپائی کم و بیش احساس میشود . گرچه در این سبک نقاشی وحدت و یگانگی که در سبکهای هرات و صفویه بطور اعم بوده است دیده نمی‌شود و با اینکه در روشهای مختلف نقاشی نوعی پراکندگی وجود دارد مع الوصف نقاشی زمان قاجاریه سبک شناخته شده و مستقلى است .

استادان هنرمند برگزیده‌ای چون آقا محمدصادق (که یا صادق الوعد) و آقا نجف‌که (یا شاه نجف) امضاء مینمودند و دیگر استادانی چون آقا محمد اسمعیل و لطفعلی خان شیرازی با محمد ابراهیم نقاشباشی و سمیرمی و جلایر به خلق آثار با ارزش هنری ، هر کدام در شیوه و روش خاصی هنرنمایی کردند و همچنین صنیع‌الملک و محمودخان ملک الشعراء ، ضیاء و ابوالحسن‌خان غفاری استاد کمال‌الملک از اساتید نام‌آور این زمان هستند . در اواخر این دوره مدرسه صنایع مستظرفه دائر گردید و استاد عالی‌مقام ارجمند محمد غفاری کمال‌الملک سبک نقاشی کلاسیک اروپائی را در ایران رایج نمود .



* این شرح کوتاهی بود درباره مینیاتور .

امید است استادان و هنرمندان گرانقدر معاصر مینیاتور با تلاش پی‌گیر خود روز به‌روز در حفظ وارج و اعتلاء این هنر اصیل ایرانی ، هنری که در ایران بوجود آمده در ایران بسرحد کمال خود رسید و آئینه افتخارات ملی مامی باشد کوشش نمایند .